بامداد خمار جام‌جهانی

امیررضا گلابی

سیاست جداسازی

هنگامی که برای اولین‌بار هواپیمای هر جهانگردی بر فراز کیپ‌تاون قرار می‌گیرد، ساحل چشم‌نواز کیپ‌تاون، کوه زیبای تیبل ماونیتین و جزیره رابین اولین چیزهایی است که نظرها را خیره می‌کند. داستان اما پیچشی تراژیک به خود می‌گیرد، هنگامی که از فرودگاه عازم شهر هستید، حلبی‌آباد بزرگ کیپ‌تاون شوک اولیه را به هر جهانگردی وارد می‌کند. کیپ‌تاون شهر توریستی آفریقای‌جنوبی، نگینی است در قاره سیاه برای جذب جهانگردان این کشور درحال‌توسعه، سواحل زیبای کمپس‌بی‌وکلیفتون از جمله زیباترین ساحل‌های جهان است، دماغه امید نیک، کافه‌های زیبای شهر، همه‌وهمه به هر جهانگردی لبخند می‌زند. امتداد سیاست تبعیض نژادی را اما هنوز می‌توان در فضای شهر مشاهده کرد. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به سیاست جداسازی نژادی فقرا از ثروتمندان اشاره کرد. به‌طور مثال، بسیاری از فعالان سیاسی آفریقای‌جنوبی، ضعف حمل‌ونقل عمومی شهری در کیپ‌تاون را ناشی از ادامه سیاست جداسازی (segregation) می‌دانند. در بدبینانه‌ترین حالت، سیاست ضعف حمل‌ونقل عمومی، سیاستی عمدی از سوی صاحبان قدرت برای جدا نگاه‌داشتن سیاهان از سفیدپوستان مرفه است؛ دیدگاهی که هرچند بدبینانه است اما با روایت تاریخی شکل‌گیری آپارتاید همخوانی غریبی دارد.

ریان ملان، در کتاب «قلب خائن من»[1] روایتی شخصی از تاریخ معاصر آفریقای‌جنوبی را به زیبایی بیان می‌کند، رایان، نوه دانیل فرانسوا ملان، نخست‌وزیر آفریقای‌جنوبی و معمار آپارتاید است، نکته جالب در این روایت این است که آپارتاید ابتدا با توجیه شبه‌منطقی سیاست جداسازی آغاز شد. از دید معماران آپارتاید، هر سه گروه اصلی کشور آفریقای‌جنوبی باید در فضایی جدا از هم زندگی کنند. سفیدها، رنگین‌پوست‌ها و سیاهان. هرکدام در منطقه خود و بدون هرگونه اختلاط نژادی. امروزه حداقل در مورد سیاهان همین سیاست کمابیش و اگرچه نه به‌صورت علنی اما به‌صورت پنهان اجرا می‌شود.

هزینه‌ای که برای جام‌جهانی انجام شد، می‌توانست بسیاری از این مشکلات را حل کند. هرچند دولت فعلی آفریقای‌جنوبی درصدد است مشکل جداسازی نژادی را حل کند، اما سرعت بهبود وضعیت سیاهان نشانگر این است که هیچ‌گونه افق روشنی دست‌کم در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت به دست نخواهد داد.

معبد ماراکانا

پروفسور دیوید چدستر، استاد گروه مطالعات ادیان دانشگاه کیپ‌تاون در مقاله‌ای با عنوان «کلیسای بیسبال، بت‌وارگی کوکاکولا و بزم راکانـدرول: الگوهایی نظری برای مطالعات ادیان در فرهنگ عامیانه آمریکا»[2] با وام‌گیری از آرای دورکیم با تشبیه ورزش بیسبال به مذهب به ما نشان می‌دهد که این ورزش واجد تمامی صفاتی است که دورکیم برای یک مذهب قایل است و لاجرم مبتنی بر این تعریف می‌توان بیسبال را یک مذهب قلمداد کرد. این ویژگی‌ها به طریق اولی در مورد فوتبال هم صدق می‌کند، تمام ویژگی‌های یک مذهب در این ورزش به‌گونه‌ای تمام‌وکمال منعکس شده، سرودهایی که هواداران تیم‌ها برای تیم‌های خود می‌خوانند بسان اورادی است که مومنین به یک مذهب آن را زمزمه می‌کنند، استادیوم‌ها معابد نوینی است که در آنها طرفداران فوتبال، این زایران عصر نو در آن به ستایش و پرستش ستارگان و رب‌النوع‌های عرصه مستطیل سبز می‌پردازند، بی‌سبب نیست که بزرگ‌ترین استادیوم فوتبال دنیا در برزیل را نه به‌نام استادیوم بلکه به اسم معبد ماراکانا می‌نامند. کتاب مقدس اهالی فوتبال مجموعه قوانین و مقرراتی است که حکم ۱۰ فرمان این آیین را دارد و توسط کاهنان فیفا تنظیم شده؛ قوانینی که تخطی از آنها می‌تواند حتی گاهی یک ملت را از شرکت در بزرگ‌ترین گردهمایی عشاق این آیین جدید محروم کند، فیفا نهادی است که حتی دولت‌ها نیز یارای مقابله با آن را ندارند. بازیکنان حرفه‌ای فوتبال در دنیا که در چشم مردم عادی به فوق‌ستاره‌های سینمایی می‌مانند، بیش از هرچیز دیگر به راهبان دیرهای قرون وسطی شباهت دارند، فارغ از دقایق کوتاهی که در رسانه‌ها ظاهر می‌شوند، حداقل در دوران ورزش حرفه‌ای خود مجبورند که با حفظ قواعد سفت‌وسختی، زاهدانه از بدن خود حراست کنند، غذاخوردنشان کنترل‌شده است، روزانه باید دوبار تمرین کنند و هفته‌ای حداقل دوبازی سخت در پیش دارند، شب‌ها باید زود بخوابند و صبح‌ها زود بیدار شوند، حتی از تعطیلات مردم عادی نیز برخوردار نیستند، در لیگ جزیره، حتی خبری از تعطیلات سال نو میلادی هم نیست، اینها البته هیچ‌کدام به معنی ستایش از این سبک زندگی اسپارتی نیست، بلکه تنها شاهدی است بر صحت ادعای چدستر که فوتبال تا چه حد از جنس یک مذهب سفت‌وسخت است. می‌توان سیاهه‌ای از آیین‌ها و مناسک مشابه در مذاهب و فوتبال را ارایه کرد، قربانی‌کردن، نظام سلسله‌مراتبی، مناسک تشرف، اوراد و ذکرها، قوانین، ایثار و مواردی از این دست را می‌توان به‌گونه‌ای مشابه در فوتبال و سایر مذاهب یافت.

مذهب فوتبال، مذهب دنیای مدرن ماست. با آیین‌ها و سمبل‌هایش، با اوراد و اذکارش، با قدیسان و راهبانش. قرن‌ها پیش هنری چهارم در آستان بارگاه پاپ و در میان سرمای طاقت‌فرسای کوه‌های آلپ سه‌روز و سه‌شب زانو زد تا پاپ گرگوری هفتم او را به حضور بپذیرد. امروزه روسای‌جمهور و دولتمردان، در آستان سپ بلاتر مدت‌ها زانو می‌زنند، تا این پاپ دنیای جدید تفقدی به آنها کرده و آنها را به حضور بپذیرد. سیرک انتخاب کشورها برای میزبانی جام‌جهانی به‌خوبی دلیلی است بر این مدعی.

Fick Fufa

شعار فوق نوشته روی تی‌شرت‌هایی بود که در دوران برگزاری بازی‌های جام‌جهانی در آفریقای‌جنوبی به فروش می‌رفت، لازم به ذکر نیست که نوشته فوق بازی کنایی است با کلماتی که با کمی پس‌وپیش‌کردن معنی دم‌دستی‌اش می‌شود «گور پدر فیفا». از دید بسیاری واکنش قشر تهیدست آفریقای‌جنوبی به امپراتوری فیفا را می‌توان در لابه‌لای همین نکات حاشیه‌ای یافت، خیلی زودتر از آنچه توقع می‌رفت شوروحال آفریقایی‌ها برای برگزاری جشنی بین‌المللی که مدعای گشودن باب بازارهای جهانی و موقعیت‌های استثنایی را داشت فروکش کرد، هزینه‌های هنگفت انجام‌شده در جام‌جهانی، سوای حیف‌ومیل‌های رایج در دولت‌های فاسدی چون دولت زوما، هیچ‌گاه رونقی به اقتصاد آفریقای‌جنوبی نبخشید، شاهد آن رکود و سقوط بازار گردشگری در آفریقای‌جنوبی در سال‌های بعد از جام‌جهانی است؛ رکودی که با گره‌خوردن با بحران مالی جهانی تشدید شد. بماند ژست‌های مشمئزکننده دولت در جمع‌آوری فقرا و فاحشه‌های خیابانی از خیابان برای مدت بازی‌ها تا خدشه‌ای به چهره میزبان وارد نشود.

امروزه نگهداری استادیوم کیپ‌تاون به‌تنهایی ماهانه در حدود نیم‌میلیون‌دلار هزینه بر دوش مالیات‌دهندگان آفریقای‌جنوبی تحمیل می‌کند، نکته طنزآمیز این است که فوتبال حتی ورزش اول آفریقای‌جنوبی نیست و ورزش پرطرفدار راگبی به‌عنوان ورزش اول این کشور در سایر استادیوم‌های قدیمی کشور برگزار می‌شود.

فیفا و فاولا

فاولاها نام زاغه‌های موجود در برزیل است که بیش از ۶درصد از جمعیت برزیل یعنی حدودا ۱۱میلیون سکنه دارند و یکی از بزرگ‌ترین آنها در ریودوژانیرو قرار گرفته؛ زاغه‌نشین‌هایی که بالاترین میزان جرم و جنایت را به خود اختصاص داده‌اند، هرچند رییس‌جمهور سابق لولا داسیلوا توانست با پیاده‌کردن برنامه شبه‌سوسیالیستی خود اندکی به حال و روز فقرای برزیل برسد اما به‌زودی مزه ورود به بازارهای جهانی این پیر سوسیالیست را هم خام کرد و لولا با درپیش‌گرفتن سیاست‌های مرسوم نولیبرالی آغوش خود را برای سرمایه‌گذاری خارجی گشود. اسلاوی ژیژک، فیلسوف معاصر اسلونیایی، در کتاب اخیرش، «تقاضای امر محال»[3] ضمن بیان بدبینی خود به جنبش‌های پوپولیستی چپ آمریکای جنوبی از قول دوستان چپ برزیلی خود نقل می‌کند که به‌محض اینک اندکی خودآگاهی و سازماندهی مدنی در میان زاغه‌نشین‌ها شکل می‌گرفت، ناگهان سیل موادمخدر و پورنوگرافی، زاغه‌ها را در می‌نوردید، دولت عملا با سهل‌گیری نسبت به گنگ‌های موادمخدر و فحشا فضا را برای هرگونه اعتراض سیاسی و مدنی تنگ می‌کرد.[4] سیاست‌های پوپولیستی لولا، در ابتدا امیدوارکننده به نظر می‌رسید، اما با گذشت زمان به نظر می‌رسد که وسوسه حل‌شدن در جریان جهانی سرمایه زانوان این مبارز دیرپای عدالت‌خواه را نیز سست کرده. همین سیاست به نظر بسیاری از تحلیلگران آفریقای‌جنوبی در دوره آپارتاید در زاغه‌های آفریقا اجرا می‌شد، شواهدی در دست است که موادمخدر صنعتی و ارزانی نظیر «داخا» با حمایت دولت آپارتاید به وسعت و با حمایت در زاغه‌های آفریقای‌جنوبی توزیع می‌شد. شباهت بین وضعیت برزیل و آفریقای‌جنوبی غریب است.

غریب است که امروزه خشن‌ترین برخورد با نیروهای دست‌چپی برزیل توسط رییس‌جمهوری صورت می‌گیرد که حتی سابقه نبرد مسلحانه علیه فاشیست‌ها را در کارنامه خود دارد. دیلما روسف، جانشین لولا، زنی است که حتی سابقه‌ای رادیکال‌تر از سلف خود در چپ‌گرایی دارد. اما همین رییس‌جمهور، در میانه انتخاب بین شرکت خصوصی فیفا و مردم برزیل به‌گونه‌ای کاملا روشن جبهه خود را در صف ثروتمندان فیفا قرار داده.

هرم ماراکانا

در رمان کوتاه اسماعیل کاداره به‌نام «هرم»، خئوپس فرعون مصر تصمیم می‌گیرد با پشت پا زدن به سنت نیاکانش از ساخت هرمی برای خود دست بکشد. مشاورانش با شنیدن چنین تصمیمی به او یادآور می‌شوند ساخت هرم نقشی اساسی در حفظ اقتدار فرعون دارد. نقشی که ورای تفاسیر نشانه‌شناسانه و اسطوره‌ای تفسیر بسیار ساده و سرراستی هم دارد؛ با ساخت هرم هزینه‌های هنگفتی بر دوش رعایا گذاشته می‌شود و آنها را همواره درگیر و دربند نگاه می‌دارد، از سوی دیگر پلیس مخفی فرعون می‌تواند با ایجاد فضایی پلیسی هرگونه مخالفی را به بهانه مخالفت با ساخت این بنای باشکوه سرکوب کند، نهایتا پس از پیشنهادات متعددی برای جایگزین‌کردن ساخت هرم با گزینه‌های دیگری نظیر جنگ یا دستکاری در جریان رود نیل به سبب آسیب‌رساندن به کشت و زرع مردم و لاجرم بدبخت نگاه داشتن‌شان، مشاوران به این نتیجه می‌رسند که راه‌حل در ساخت هرمی بسیار عظیم‌تر از هرم‌های قبلی است. هرمی چنان عظیم که برای دو دهه کشور را به آستانه ورشکستگی می‌کشد و به‌گونه‌ای معجزه‌آسا پایه‌های حکومت خئوپس را بیش از پیش تثبیت می‌کند. اسلاوی ژیژک در یادداشتی به گونه‌ای کنایی می‌گوید اگر او حاکم جهان می‌شد، همین سیاست را در لباسی امروزی در پیش می‌گرفت، مانند سرمایه‌گذاری روی پروژه بردن انسان به مریخ و سایر سیارات یا چیز به دردنخور اما پرهزینه‌ای از این دست تا سطح استاندارد زندگی رعایش را کاهش داده و در نتیجه حکومت خود را تثبیت کند.[5] چندی پیش در یادداشتی در اینترنت به عمق فساد دولت پوتین در برگزاری المپیک سوچی اشاره شده بود. نمونه‌هایی از این‌دست که مثلا به سه نفر از دوستان قدیمی پوتین ۱۵میلیارددلار پروژه واگذار شده یا اینکه با مربی اسکی مدودوف قرارداد ساختمانی به میزان ۲/۵میلیارددلار بسته شده[6] و فسادهایی از این دست، اما داستان هرم داستانی از جنسی دیگر است، داستانی که حتی با فرض اجرای پروژه توسط پاک‌ترین نظام‌ها هم چیزی جز فقر و بدبختی نصیب مردم نمی‌شود، چه رسد به نظام مافیایی پوتین.

هزینه‌های برگزاری جام‌جهانی تاکنون بیش از ۱۱میلیارددلار بار مالی بر دوش پرداخت‌کنندگان مالیات برزیل داشته، هزینه‌هایی که با برگزاری المپیک بعدی در برزیل چند برابر خواهد شد، شاید دولت برزیل بهتر از هرکس دیگر پیغام مشاوران خئوپس را دریافت کرده، با بنای هرم ماراکانا حکومت خود را برای دهه‌ها بر شانه‌های زاغه‌نشینان فاولاس تثبیت کند.

پی‌نوشت‌ها:

1- Malan, Ryan; ;My Traitor's Heart: A South African Exile Returns to Face His Country, His Tribe, and His Conscience; Grove Press, 2009

2- Chidester, David; The Church of Baseball, the Fetish of Coca-Cola, and the Potlatch of Rock 'n' Roll: Theoretical Models for the Study of Religion in American Popular Culture; Journal of the American Academy of Religion; Vol 64; Issue 4; Pp 743-765

۳- کتاب فوق به قلم همین نویسنده ترجمه شده است.

4-Zizek, Slavoj; Demanding the Impossible, Plity Press, 2013; P. 103

5-Zizek, Slavoj; If I ruled the world; Prospect; 23 Jan 2014

6-http: //www. buzzfeed. com/maxseddon/eye-popping-excerpts-from-a-report-alleging-corruption-at

ادامه از صفحه ۶

درنگیدن

در زمانی یکی، دو ثانیه‌ای- طبق زمان‌سنج‌های کمی رایج - بازیکنی، حرکتی انجام می‌دهد؛ شوتی می‌زند، هدی، گلی، تکلی، لگدی؛ اما آیا این، همه آن چیزی است که اتفاق افتاده است؟ آیا در زمانی یکی، دوثانیه‌ای تنها همین عمل کلی رخ داده است؟ عملی که به‌راحتی نامی از دایره واژگان‌مان برایش برمی‌گزینیم- و البته این کار را هم گزارشگر برای مخاطب انجام می‌دهد و عمل را بیشتر از پیش تهی می‌کند از آگاهی دقیق‌تر. آهسته‌کردن تصویر، زمان را به حقیقتش نزدیک می‌کند (فعل «درنگیدن» را به یاد بیاوریم که هم به معنای آهسته‌ساختن و تاخیر است و هم، تامل‌وتانی). زمانی که تنها یک دیرند مشخص و هژمونیک کمی ندارد؛ زمانی که حاوی کیفیت‌هایی چندگانه و چندگونه است؛ فقط و فقط چنین نیست که ببینیم توپ از چه فاصله‌ای از تیر دروازه به اوت رفت؛ لرزش و خمش تک‌تک رشته‌های درهم‌پیچنده موی بازیکن شوت‌زن را می‌بینیم، رنگ موهایش را. قطره‌های عرقی را می‌بینیم که از سررشته‌های موی او به هوا می‌پاشد. خطوط خمیده و چندگانه چهره او را، خطوط خمیده و چندگانه و انبوهشده چهره او را می‌بینیم. خال‌های ریز صورتش را. خطوط چشم‌هایش را. خطوط عجیب لب‌هایش را. لرزش لب‌هایش را. دندان‌هایش را می‌بینیم. دندان‌های سفیدش را که چگونه برهم ساییده می‌شوند به هنگام شوت. سفیدی دندان‌هایش را. نگاهش را. نیروی نگاهش را. چشم‌هایش را چگونه باز می‌شود یا بسته می‌شود برای آناتی. حس را در چهره‌اش؛ حس خستگی را. شور را. هیجان را. لذت را. اندوه را. افسوس را. اروس را. لرزش‌ها را در ماهیچه‌های دستش. ران‌هایش. ماهیچه‌های برآمده ساق‌هایش. گوشت را می‌بینیم. لرزش گوشت را. لرزش ماهیچه را. خطوط چمن را می‌بینیم. چمن‌هایی که ریزاریز از زیر کفش استوک‌دار او از زمین کنده می‌شود و به هوا برمی‌خیزد. سبزی چمن را. تاخوردگی‌های معادله‌ناپذیر پیراهن و شورتش. و باز موهایش را که در هر «آن» به سویی می‌رقصد و می‌لغزد و می‌جهد. قطره‌های ریز عرق را که بر صورتش، بر خطوط صورتش جاری می‌شود. میل را. تپش را می‌بینیم. تپش را در صورت. در پوست. در ماهیچه. در موها. در لب‌ها. رگ‌ها را می‌بینیم. رگ‌های برآمده گردن و بازو و پاها را. قطره‌های عرق را که از صورت و پیشانی و موها به هوا فرامی‌پاشد... و به بیان دلوزی زمان را درمی‌یابیم و «خود دیدن» را می‌بینیم.

آری! سرهم‌بندی این قطعه‌ها و جزءهاست که آن بدن کلی و عمل کلی و تصویر کلی را، در مقام تصویری مستقل از رخداد بیرون، برمی‌سازد. به‌این‌ترتیب، زمان - به زبانی دلوزی - حقیقت ریزوماتیک‌اش را بیان کرده و شاخه‌شاخه می‌شود. او دیگر صرفا یک بازیکن نیست؛ موجودیتی است دمونتاژشده از مادیت‌ها و نیروها. آیا به همین دلیل نیست که از دیدن چنین تصاویری، چنان دچار بهجت و لذت می‌شویم که گویی با اثری هنری مواجهیم؟ اثر هنری که اروس تپنده در دل هر ماده‌ای را آشکار می‌کند.

به‌دلیل همین ویژگی بنیادین تصویر تکرار-آهسته امکان فراروی از «قانون» فراهم می‌آید. قانون، که گرایشی وحدت‌گرایانه و کل‌خواهانه دارد، با درک و آگاهی حقیقت زمان، اعتبار خویش را از دست می‌دهد؛ مشخص‌ترین نمونه برای اثبات این ادعا، استفاده از تصویر تکرار-آهسته در مسابقات والیبال و کشتی است. در پخش تلویزیونی فوتبال نیز از این مورد برای بحث‌های داوری یا کارشناسی استفاده می‌شود، اما نه در خود بازی و حین بازی، که بیرون یا بعد از بازی. در والیبال و کشتی، به‌معنای واقعی کلمه، به میانجی تصویر تکرار-آهسته است که از حقیقت رخداد بازی- و زمان- آگاه می‌شویم و همین آگاهی از سویی، آگاهی کلی و قبلی ما را گسترش می‌دهد و از سوی دیگر لذت تجربه حقیقت را فراهم می‌آورد. این فراروی از قانون‌های کلی- و نیز نام‌ها، مفهوم‌ها و تصویرهای کلیشه- همان اتفاقی است که در مواجهه با اثر هنری اصیل برای مخاطب رخ می‌دهد. یا می‌توان این استنتاج را عکس کرد: هر آن اثری که بتواند چنین کاری با مخاطبش کند (یعنی آگاهی کلی و قبلی او را مخدوش کند) اثری هنری است یا لااقل رگه‌ای از اروتیسم هنری را در خویش دارد. از طرف دیگر، تصویر تکرار-آهسته، مواجهه با گذشته است؛ این مواجهه، در محل استادیوم ممکن نیست. گذشته، به اکنون می‌آید، اما این‌بار در وضعیتی دیفرانسیلی، تکه‌تکه‌شده و نقدآمیز. بالگوگی‌های گذشته، که در هیات گذشته تقویمی کدگذاری می‌شود، امکان بیان می‌یابد. چنان‌که دلوز درباره هنر می‌گوید، این تصویر تکرار-آهسته نیز «حفظ می‌کند»؛ رخداد را در تصویر؛ چنان‌که یک نقاشی، لبخند دختر زیبارویی را با بوم و رنگ و خط، حفظ می‌کند. پیامد یا خواست این نوشتار، هیچ‌گاه، ترویج یا تبلیغ فوتبال یا تماشای آن نیست؛ فوتبالی که - همراه با بخش اعظمی از صنعت سینما - فجایع اقتصادی، سیاست‌های سرمایه‌دارانه و خودبزرگ‌بینی سلطه‌گران جهانی را به حاشیه می‌کشاند. اما شاید خوش‌بینانه و به شیوه‌ای دلوزی، آزادکردن نیروهای بالقوه این فاجعه کاپیتالیستی باشد در راستای تفکر، ادراک و قلمروزدایی [از زمان، حرکت، بدن و ادراک].

جدول ۲۰۱۳ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱ - از باشگاه‌های معتبر فوتبال آلمان - نیکوآوازه
۲ - بنیان آلی کربن و هیدروژن - استاد افلاطون - بچه پرنده ۳ - یک و دو - گاهی از هول آن توی دیگ می‌افتند! - حاذق - عنصری که به نمک می‌زنند ۴ - شیعه بودن - باران تند و شدید - زالزالک ۵ - زمان حاضر - معادل فارسی اندیکاتور ۶ - سالخورده - بها - مقام و منزلت ۷ - رودی در روسیه - اولین کشور صادرکننده خرما در جهان - از شاخه‌های تخصصی پزشکی ۸ - از دل پرسوز برآید - از امراض فصل سرما - زره ساز - آزاد و رها ۹ - ابزاری برای شخم‌زدن و شیارنمودن زمین - جست‌وجو - مهاجم سرشناس تیم‌ملی فوتبال آرژانتین ۱۰ - از ورزش‌های گروهی - هجران، فراق - سر به راه ۱۱ - تولید محصول از گیاهان زراعی و باغی - دستمال ۱۲ - آماس - کفشی سنتی - امتلاء معده ۱۳ - حرف انتخاب - از ظروف آزمایشگاهی - حزب هیتلر - یک دور بازی تنیس ۱۴ - از بخش‌های قرآن - ثلاثه دیدنی مصر - فرزند زکریای‌نبی(ع) ۱۵ - مترجم - دارای آوای دلنشین

عمودی:

۱ - از آثار ماکسیم گورکی، نویسنده روسی - نویسنده سوئدی رمان بارابابس ۲ - پارچه کهنه - پایتخت دانمارک - شهری در استان کرمان ۳ - قیمت بازاری - کرم کدو - وسیله‌ای برای برقراری ارتباط تصویری اینترنتی - یک ردیف از دانه‌های بافته شده ۴ - جنگاور - وضع‌حمل - مهم‌تر ۵ - نرم و ملایم - کلاغ سیاه و سفید - کلمه شرط ۶ - پهناور - کتاب مقدس - سرگشته و سرگردان ۷ - عدد - غلاف شمشیر - محتوا ۸ - شعله آتش - یار عذرا - سبو - بنمای... که خلقی واله شوند و حیران ۹ - از اصول دین اسلام - گریه با سوز و گداز - کشتی جنگی ۱۰ - سخنرانی کردن - اهل هرات - آسودگی ۱۱ - قهرمان داستان ایلیاد - علف - مقابل شب ۱۲ - درخت عرب - نوازنده زورخانه - سال گاو از سال‌های ترکی ۱۳ - جدید - نویسنده - بیهوده - تکرار حرفی ۱۴ - مزدور - باکتری تب مالت - سازمان جاسوسی آمریکا ۱۵ - از شعرای معاصر کشورمان و سراینده مجموعه «دوقطره اشک» - زبانی از خانواده زبان‌های هندواروپایی.

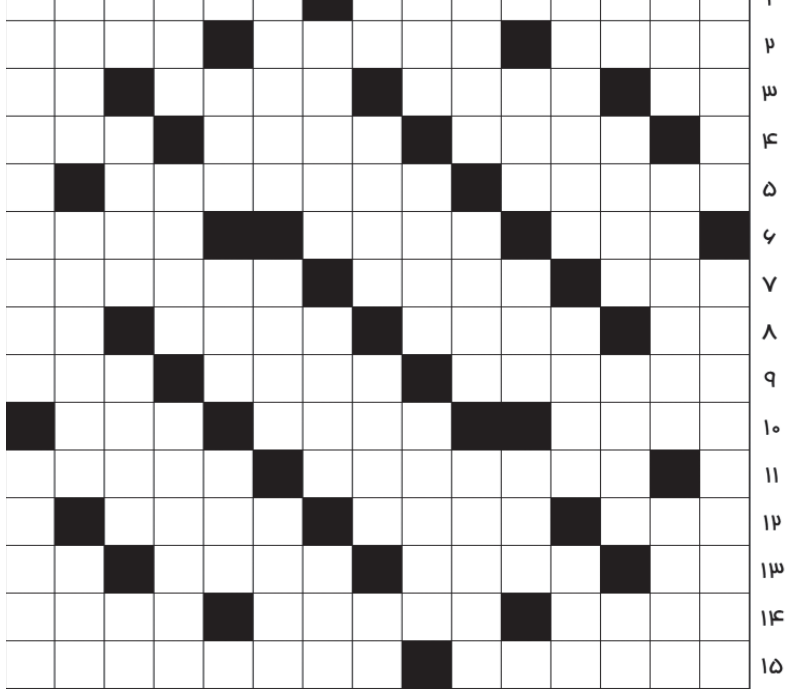

حل سودوکو سخت

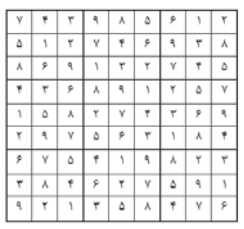

حل سودوکو ۱۰۰۹

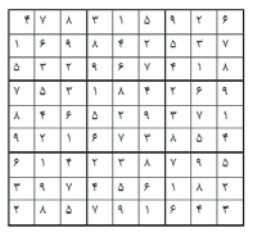

جدول ۲۰۱۲

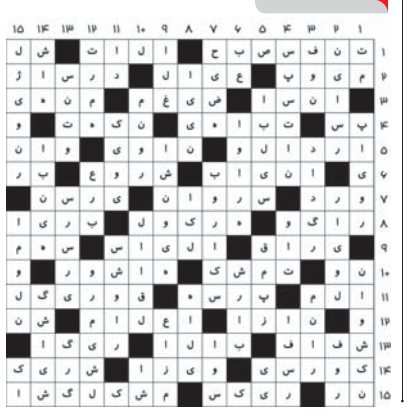

سودوکو سخت ۱۰۱۰

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۸		۳			۲			۱
۲		۷				۵		
	۹	۵			۶	۲		
		۹		۷			۵	
۷		۶		۹				
۳	۸							
			۸	۱			۴	۵
		۴	۳				۲	
	۳				۴		۱	

سودوکو ۱۰۱۰

	۴			۸	۷	۲		
	۹		۶			۷		
	۱		۳			۴		۵
	۳	۴		۹			۲	
	۵						۷	۳
۱			۸	۶				
			۴		۸	۹	۱	
۲					۶			
				۳		۶	۵	

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.